

پس نیز ای کج گوی تا یاب  
بوی سید در عکله هر تالم  
درم قوم تا با چند بنی  
اول خدای حق که یار تندی سنی  
اول قمر حق که چینی نوک در  
طاق محراب ابرو آنوک همچون  
الی جادوی دلفریب نوک همچون  
الف قامت هلالوک همچون  
موی حق که بویا نوک در  
کل کی دلبز خندک همچون  
اعنی آه جھانسوزم همچون  
روز غمده دم شدیدم همچون  
دل سود آرزیده داغوک همچون

کشته جان و شمیم در آ  
شوقدن در حضور زنی خوابم  
راخت اید جا به خواب چند  
پستی گل سالک بیل ایدی  
آیت معجزه مینوگ در  
طوق کیسوی دستا نوک همچون  
رخ زیبا دلفریب و زینوک همچون  
نقطه و صغی حالوک همچون  
سرمو حق که دانا نوک در  
نزه بیل کلندک همچون  
قره بخت شمشیزه روزم همچون  
در دل قلب تا بدیدم همچون  
غم دلدن دم فرغوک همچون

که مرادن میسر اید دلموک  
مرهم اول بینه داغنه برم  
قطر عجز که دردی طاستی  
پسند خرمایه بینه شیرای غل  
نیر نو مانی قوت جان ادم  
دوی یوسف جبابی چاک اتم  
عین عشقو کدن آقوباب کخاه  
اول بوجه ذات همچون که پیچیدر  
مظفر و صغی در آنوک چه همچون  
چو نوک اسپهان جبابی در  
جوهر و مکش ریف معدن چون  
هم آنوک اصفیا کلر چون  
طوباکمه اولر کان در

عقدده پس جل ادب بوم مشکلوک  
که ارم و صلبان غنچه بر دم  
قوت و صلکدن ایله قوتی  
شیره شپندر اتر خرمایه  
نقطه غدن دله امان ادم  
عصمت شیشه پس حلاک اتم  
دامنوی تر المسون ای ماه  
نه درون جھان نیر و ندر  
حسبی مجلا بر برون و درون  
نور نوک آفتاب تابی در  
دم آتشده بوی گلشن چون  
اصطفی چرخ نوک قمر چون  
احترم آنرا کله رخشان در

که مرادن